اپراتورها در حال رایزنی برای افزایش قیمت هستند

نت کیلویی چند؟

علی مزروعی، زهرا طیبی
گروه نقد روز

تقریبا پنج سالی می‌شود که تعرفه اینترنت، تغییر چندان چشمگیری نکرده است؛ موضوعی که اپراتورها در نامه اخیر خود خطاب به رئیس‌جمهور به آن اشاره کردند و یکی از علل عدم توسعه زیرساخت‌های اینترنتی در کشور را تثبیت این تعرفه‌ها دانستند. وزیر ارتباطات در واکنش به این خواست آنها از کیفیت اینترنت صحبت به میان آورد و گفت: «هنوز در این‌باره تصمیمی گرفته نشده است اما خط قرمز ما کیفیت است، هرچیزی که باعث کیفیت شود، حتما برای آن تدبیر می‌کنیم.» سوال اصلی اما این است که در شرایطی که نارضایتی‌هایی نسبت به دسترسی کاربران به اینترنت وجود ندارد، آیا تضمینی وجود دارد که با بالا رفتن تعرفه اپراتورها، کیفیت اینترنت نیز بهبود پیدا کند؟ در حالی که بخشی از این اختلال‌ها به خاطر محدودیت‌هایی ناشی از فیلترینگ اتفاق می‌افتد؟ برای بررسی بیشتر این موضوع و ابهاماتی که در این حوزه وجود دارد با پوریا آسترکی، کارشناس فضای مجازی و عمادالدین پاینده، کارشناس حوزه اینترنت گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

۱۰ درصد سبد هزینه خانوار ایرانی به اینترنت اختصاص دارد

عمادالدین پاینده به این سوالات که آیا اینترنت در ایران ارزان است یا گران. یا اصلا آیا مساله توسعه اینترنت در ایران یک مساله مربوط به قیمت هست یا نه اینگونه پاسخ داد: «پاسخ دادن به این سوال که ارزانی و گرانی اینترنت در ایران چگونه قابل ارزیابی است نیازمند دو مقایسه است. مقایسه اول به دست آوردن سهم هزینه اینترنت از مجموع سبد هزینه‌های خانوار است. مورد دوم هم مقایسه این سهم با سایر نقاط دنیا است. آزمایشگاه داده و حکمرانی شریف اواخر سال ۱۴۰۰ یک شبیه‌ساز را با هدف انجام این مقایسه راه‌اندازی کرد. این شبیه‌ساز اطلاعات مختصری نظیر اینکه تعداد اعضای خانوار، هزینه ماهیانه اینترنت، تحصیلات و سن‌شان را از کاربر می‌پرسید و در مرحله بعد براساس آمارگیری هزینه درآمد خانوار مرکز آمار به کاربر نشان می‌داد که براساس هزینه‌هایی که خانوار ایرانی برای اینترنت کرده است در کدام دهک قرار می‌گیرد. براساس اطلاعاتی که در آن زمان جمع‌آوری شد مشخص شد که تا اوایل سال ۱۴۰۱ میانگین هزینه‌کرد خانوار برای اینترنت در کشور به استثنای تهران کمتر از ۳۰۰ هزار تومان بود و اگر تهران را نیز در نظر می‌گرفتیم این عدد نهایتا از ۳۷۰ هزار تومان فراتر نمی‌رفت. این عدد ۴ درصد میانگین حقوق ماهیانه ۷ میلیون تومان درکشور در سال ۱۴۰۱ است.»

پاینده در ادامه کاربرد به دست آوردن این نسبت را اینگونه توضیح داد: «این نسبت خاصیتش این است که قابلیت مقایسه با کشورهای دیگر هم دارد. می‌توان به جرات گفت این عدد ایران را بین کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه بین ۱۰ کشور آخر جدول رتبه‌بندی قیمتی اینترنت قرار می‌دهد. بنابراین می‌توان ادعا کرد که قیمت اینترنت در کشورما ارزان است. یک روش دیگر هم این است که رقم ۳۷۰ هزار تومانی را به دلار تبدیل کرده و معادل دلاری را با هزینه اینترنت در سایر کشورها مقایسه کنیم.»

فیلترینگ هزینه اینترنت را ۲ و نیم برابر کرد

این کارشناس حوزه اینترنت اظهار نظر در مورد ارزانی اینترنت را منوط به توجه به دو ملاحظه اساسی دانست که باعث می‌شود صحبت‌ها در مورد ارزان بودن اینترنت کمی محتاطانه تر باشد. پاینده ملاحظه اول را اینگونه توضیح داد: «ملاحظه اول افزایش استفاده از فیلترشکن‌ها و اصطلاحا ابزارهای حاکمیت‌گریز است. بعد از اتفاقات شهریور ۱۴۰۱ تاکنون اختلالاتی در اینترنت کشور اعمال شده که نتیجه آن افزایش آمار استفاده‌کنندگان از فیلتر شکن به بیش از ۷۰ درصد بوده است. اگر ما هزینه‌های این را هم بخواهیم به هزینه اینترنت اضافه کنیم می‌توانیم بگوییم هزینه اینترنت حدود ۲ و نیم برابر عددی است که برای نیمه اول ۱۴۰۱ تخمین زده شده است. یعنی ماکسیمم این عدد به ۱۰ درصد هزینه‌های سبد خانوار رسیده است. اگرچه این نسبت هم همچنان در مقایسه با قیمت‌های جهانی پایین است اما باعث شده تا سهم هزینه‌های اینترنت از سبد مخارج خانوار معنی‌دار شود. عدد جدید به نزدیک یک میلیون تومان برای هر خانوار میل می‌کند. نکته دیگر این است اگر سیاستی برای افزایش قیمت اینترنت اتخاذ می‌شود آیا پیوست اجتماعی برای آن در نظر گرفته شده و اقناع عمومی نسبت به این مساله اتفاق می‌افتد یا نه. در شرایطی که مردم همچنان مطمئن نیستند که تصمیم سیاستگذاران برای فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی بعد از شهریور ۱۴۰۱ یک تصمیم قطعی باشد و هنوز امیدی برای برگشت از این تصمیم دارند و معتقدند این تصمیم باید مورد بازنگری قرار بگیرد و شرایط فعلی موقت است بحث کردن در مورد افزایش قیمت در افکار عمومی با مخالفت‌هایی همراه خواهد بود. آخرین نکته در مورد فیلترینگ این است که بسیاری از مردم در افکار عمومی به طور جدی شرکت‌های فعال در ارائه اینترنت یعنی شرکت ارتباطات و زیرساخت و اپراتورهای ارائه‌دهنده اینترنت را ذی نفع فیلترینگ وفیلترشکن فروشی می‌دانند. فارغ از اینکه این تصور درست است یا نه باید اثرات روانی آن را در نظر گرفت و در اجرای سیاست‌های اصلاح قیمت محتاط بود.»

اپراتورها درآمدهایشان را خرج اقدامات درآمدزا غیرمرتبط با وظایفشان می‌کنند

پاینده در مورد ملاحظه دوم اینگونه توضیح داد: «ملاحظه دوم این است که در طول یک دهه گذشته بارها و بارها از طریق صورت‌های مالی اپراتورهای انحصاری ارائه دهنده اینترنت همراه و از طریق درک عمومی مردم از بالا و پایین‌های وضعیت اینترنت این امر به اثبات رسیده است که اپراتورها لزوما افزایش درآمد خود را خرج توسعه زیر ساخت نمی‌کنند. تضمینی برای این که درآمد بیشتر لزوما خرج توسعه زیرساخت شود وجود ندارد. مثال‌های بارزی هم برای این امر وجود دارد. اپراتورها با بخشی از بودجه خود پلتفرم‌های محتوایی راه انداخته‌اند. مثلا روبیکا پلتفرمی است که هردو اپراتور همراه اول و ایرانسل ذی نفع آن هستند. اپراتورها با روش‌های دور زدن اطلاعات مربوط به حسابرسی از طریق راه‌های اینچنینی درآمدهای خود را افزایش داده‌اند. این یعنی اپراتورهای منابع خود را خرج توسعه پلتفرم‌های غیر مرتبط با ماموریت‌شان کرده‌اند. این اتفاقی است که بارها افتاده و حتی سرمایه گذاری‌های بی‌ربط‌تر دیگری را نیز از جانب اپراتورها شاهد بوده‌ایم. سوال بزرگ این است که آیا دولت و به طور مشخص کمیسیون تنظیم مقررات و ارتباطات مکانیزمی برای اینکه این افزایش درآمد لزوما صرف توسعه زیرساخت‌های اینترنت بشود طراحی کرده‌اند که مردم ظرف کمتر از ۶ ماه آینده اثرات آن را شاهد باشند و طعمش را بچشند. اگر اندیشیده شده حداقل برای مخاطبان حوزه فناوری باید شفاف شود که این مکانیزم چه مکانیزمی است که تا به الان شفاف نشده است که با چه سازوکاری قرار است بحث افزایش ظرفیت‌های اینترنت پیگیری شود. بعد از اتفاقات ۱۴۰۱ حجم کل ترافیک بین‌الملل در کشور ما افت محسوسی داشت. بعد از حدود ۶-۷ ماه این ترافیک به روزهای پیش از ۱۴۰۱ برگشته و اکنون ما مجددا با اشباع ظرفیت مواجه شدیم وحتما مردم این را ملاحظه کرده‌اند که در ساعت‌های پیک مصرف اینترنت سرویس دهی اپراتورها با اختلالاتی مواجه اشت. این موضوع علتش این است که ما در توسعه زیرساخت‌ها و بهبود ظرفیت ترافیک وپهنای باند نتوانسته‌ایم آنطور که باید عمل کنیم. باید مشخص شود تضمین اینکه افزایش درآمد به توسعه زیرساخت منجر شود چیست.»

وضعیت شرکت ارتباطات و زیرساخت وخیم است

عمادالدین پاینده پس از پرداختن به نقش اپراتورها در توسعه زیرساخت به جایگاه شرکت ارتباطات و زیرساخت به عنوان یک مساله مورد غفلت واقع شده پرداخت و در مورد آسیب‌های ورشستگی این شرکت گفت: «مساله مورد غفلت واقع شده وضعیت وخیم و بسیار نگران کننده شرکت ارتباطات و زیرساخت است. عمده فروشی اینترنت در کشورما به صورت دولتی و توسط شرکت ارتباطات و زیرساخت انجام می‌شود که بعد از خصوصی‌سازی مخابرات این اتفاق افتاد. شرکت ارتباطات زیرساخت در طول ۳-۴ سال اخیر انواع و اقسام تسهیلات و سوبسیدها را با تحمیل بار مالی به مراکز داده و اپراتورهای همراه ارائه داده است، درحالی‌که این شرکت برای بقای خودش نیازمند شرایطی است که بتواند حیات و ماندگاری‌اش را تضمین کند. با توجه به اطلاعاتی که در دسترس است سیاست‌های محدودکننده سال گذشته فشار به شدت بالایی به شرکت ارتباطات و زیرساخت وارد کرده و درآمدش را به شدت کاهش داده است. دوما درخواست تسهیلاتی که به انواع و اقسام مختلف توسط شورای عالی فضای مجازی و سایرنهادها به این شرکت ابلاغ شده است عملا دارد کمر این شرکت را می‌شکند. این را باید در نظر گرفت که اگرچه بخشی از زیرساخت‌ها را اپراتورها تامین می‌کنند و باید افزایش ظرفیت بدهند اما همچنان بخش قابل‌توجهی از مدیریت، فروش اینترنت به اپراتورها و انتقال اینترنت بین استان‌ها که مسائل حیاتی هستند برعهده این شرکت است و طبیعتا اگر این شرکت نتواند ادامه حیات بدهد این خدمات در کشور با مشکل اساسی مواجه می‌شود. بنابراین ما نباید به این شرکت به چشم یک قلک یا بنگاه خیریه نگاه کنیم که هر زمان اراده کردیم از اوخدمات بگیریم و در عین حال از کسب درآمد محروم بماند. اگر واقعا چنین نگاهی به شرکت ارتباطات و زیرساخت وجود دارد اساسا بهتر است به یک‌نهاد دولتی تبدیل شود و خیال همه در مورد اینکه دیگر بحث سود و زیان مطرح نیست راحت شود.»

احتمال تکرار سناریوی فساد درشرکت ارتباطات و زیرساخت

این کارشناس حوزه اینترنت عدم توجه به شرکت ارتباطات و زیرساخت را عامل شکل‌گیری بسترهای فساد مالی دانست و در این باره توضیح داد: «نکته بسیار مهم این است که در طول یک دهه اخیر قیمت اینترنتی که شرکت ارتباطات و زیرساخت به اپراتورها فروخته است و ایضا قیمت خدماتی که به بقیه شرکت‌ها ارائه می‌دهد تقریبا هیچ تغییری نداشته است. این درحالی است که رقم تورم در چند سال گذشته بالا بوده است. این نشان می‌دهد که اگر ما به دنبال افزایش ظرفیت و بهبود خدمت‌رسانی به مردم هستیم و بنا داریم دسترسی آنها به اینترنت با کیفیت را سهل تر کنیم کل زنجیره را باید ببینیم و صرفا نگاه‌مان را نباید به اپراتورها محدود کنیم. اپراتورهایی که به راحتی با یک تغییر جزئی در قیمت بسته‌های اینترنت چندین درصد به سود خودشان اضافه می‌کنند تا این حد مورد توجهند اما بخش مهمی از ارکان این زنجیره تامین نادیده گرفته می‌شود که به نظر می‌رسد به شدت هم تحت فشار اقتصادی است و بحث تاب آوری‌شان دچار مشکل است. شرکت ارتباطات و زیرساخت یک‌سری خدماتی ارائه می‌دهد که این خدمات برایش درآمدهایی دارد ولی من با اطمینان می‌توانم عرض کنم که تراز مالی شرکت ارتباطات زیرساخت تا تابستان سال جاری به‌شدت منفی بوده و باید چاره‌ای برای جبران این تراز منفی اندیشیده شود. نباید مثل سالیان قبل از طریق یک‌سری حقه‌ها و ترفندها در صورت‌های مالی این تراز منفی مثبت نمایانده شود. اگر بخواهند دوباره اینکار را انجام دهند نتیجه‌اش مشخص است. در بلندمدت دیگر خبری از شرکت ارتباطات و زیرساخت نخواهد بود. می‌توانم این را به طور قطع بگویم که درآمدها و مواردی که برای شرکت زیرساخت درآمد زایی می‌کند به‌هیچ‌وجه کفاف هزینه‌ها و تعهداتی که ما به آن تحمیل کردیم از جمله تعهداتی در حوزه پیام‌رسان‌ها، مراکز داده، تسهیل درآمد با سرویس‌های محتوایی و وی‌پی‌ان ترافیک بین استان‌های مختلف، و امثالهم واقعا این تعهدات با این مدل درآمدی نمی‌تواند سازگار بماند و این شرکت به زودی ناچار می‌شود که بازنگری بکند، طبیعتا چون در مورد یک شرکت دولتی صحبت می‌کنیم باید ببینیم نگاه دولت به یک شرکت واقعا به چشم یک شرکت است یا اینکه به چشم یک خیریه و قلک به آن می‌نگرد و قرار است سناریوهای فساد شرکت‌های دولتی که همواره در کشور ما وجود داشته است، اینجا هم تکرار شود.»

سرعت اینترنت درکشور قابل قبول است اما قابل تحسین نه

راجع به سرعت اینترنت دو جور درک در کشور وجود دارد، یکی درک وزارت ارتباطات است که معتقد است سرعت اینترنت مناسب است یکی هم درکی است که افکارعمومی دارد و مبتنی بر سایت‌های بین‌المللی رصد سرعت اینترنت سرعت را پایین می‌بینند. منشأ این تفاوت دیدگاه چیست؟ پاینده در تشریح چرایی به‌وجود آمدن این اختلاف درک اینگونه توضیح می‌دهد: «گزارش سازنده و روشنگرانه‌ای در این زمینه انجمن الکترونیک کارکرده است که به صورت عمومی هم در دسترس است و در آن توضیح داده شده است که از چه لحاظ‌هایی سرعت و کیفیت اینترنت دچار مشکل است خیلی دقیق، با ذکر شاخص‌ها به آن پرداخته شده است اما اگر بخواهم اجمالا جوابی بدهیم به این سوال این است که سرعت اینترنت در کشور ما در مقایسه با کشورها که دو دسته کشور را من اینجا قرار می‌دهم، یک سری کشورهایی رسیدن به آنها و نزدیک شدن به آن امکان پذیر و شدنی است و می‌شود به آن فکر کرد و تفاوت سرعت اینترنت ما با آنها تفاوت چندین سال توسعه زیرساخت نیست، که شاید حداقل درباره ۲۰ الی ۳۰ کشور داریم صحبت می‌کنیم، یک سری کشورهایی هم وجود دارند که پیشگام حوزه زیرساخت اینترنت هستند. مثلا کشورهایی مثل کره‌جنوبی، سنگاپور و چند کشور دیگر و حتی کشورهای منطقه نوردیک سرعت اینترنت بسیار بالایی را تجربه می‌کنند و همیشه هم این اتفاق وجود داشته است. سرعت اینترنت درکشور ما در طول یک سال گذشته رشد و افزایش چشمگیری داشته است. این کاملا گزاره درستی است و اگر این سرعت حفظ شود می‌شود گفت که در رتبه‌بندی‌ها و رنکینگ‌های جهانی جایگاه ایران ارتقا پیدا کند، اگر سوال این است که در حال حاضر سرعت اینترنت ما وضعیتش در مقایسه با کشورهای همرده و مشابه مثل عربستان، ترکیه، مصر، الجزایر و کشورهای در حال توسعه‌ای که فضای آنها به لحاظ اقتصادی شباهت‌هایی به ما دارد چگونه است، واقعیت این است که با این کشورها فاصله داریم و تلاش‌هایی که شده قابل قبول است اما قابل تحسین نیست. نکته آخری که می‌خواهم به آن اشاره کنم این است که به طور خاص و به طور جدی پایداری اینترنت و کیفیت شبکه مقوله بسیار مهم‌تری، نسبت به سرعت اینترنت یا همان بحث دانلود و آپلودی است که مردم به عنوان مخاطبان عمومی آن را درک می‌کنند، اگر به دنبال فعالیت در حوزه فناوری‌های لبه هستیم، اگر به دنبال استفاده از اینترنت در اقتصاد دیجیتال یا سریز منافع اینترنت در حوزه اقتصاد دیجیتال هستیم، اگر به دنبال تداوم توسعه اکوسیستم استارتاپی در کشور هستیم، همه این موارد و به‌خصوص بحث فناوری لبه و مطالعات بنیادین در حوزه فناوری که توسط دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی انجام می‌شود به طور قطع، به پایداری اینترنت و شاخص‌های پیچیده‌تر و جزئی‌تر تحلیل کیفیت مثل شاخص تاخیر یا شاخص پینگ برای گیمرها و استریمرها که اقتصادشان به اینترنت گره خورده و برایشان اهمیت دارد وابسته است. ارتقای این شاخص‌ها بسیار و به مراتب از سرعت اینترنت مهم‌تر است، باید روی این موارد سرمایه‌گذاری شود. من عملکرد را از پاییز پارسال تا امسال قابل قبول می‌دانم، فیبر در بسیاری نقاط کشور توسعه پیدا می‌کند، خیلی از نقاط تهران امکان دریافت 5G وجود دارد و نسبت به گذشته بهتر است اما فاصله ما همچنان زیاد است به طور قطع می‌توانم بگویم که ما در حوزه پایداری اینترنت چالش‌مان جدی‌تر از سرعت است و فقط هم مساله مان مساله زیرساخت نیست و مسائل دیگری مثل بازنگری در سیاست‌های اینترنت هم مطرح است و باید به آن فکر شود.»

کاهش کیفیت اینترنت دریکی دو سال اخیر عمدی بوده است

پوریا آسترکی، معتقد است کاهش کیفیت اینترنت به خاطر اختلالات عمدی که در زمینه فیلترینگ صورت گرفته اتفاق افتاده و توضیح داد: «کیفیت اینترنت چند فاکتور دارد. یکی سرعت نت است که کاربر احساس می‌کند، یکی پایداری شبکه و یک مساله دیگر (Response time) یا همان چیزی است که پینگ معروف است، اینکه چقدر طول می‌کشد تا دیتا به جایی که شما می‌خواهید برود و برگردد. از نظر کیفیت اینترنت در دوران آقای زارع‌پور این کیفیت به شدت افت کرده، ما با قطعی‌های مکرر، افزایش (Response time)، افزایش پینگ و کاهش سرعت به واسطه نیازهایی روز افزونی که جامعه به اینترنت دارد مواجه بودیم. آقای زارع‌پور و وزارت ارتباطات هم بسیاری از این اختلالات را به عمد به وجود آوردند، چون می‌خواستند فیلترینگ را تقویت کنند. مساله کاهش کیفیت اینترنت در این دوره یکی دوساله، یک مساله تعمدی بوده است. مثلاآن موقعی که اینستاگرام فیلتر نبود، پنهای باند اینستاگرام را عمدا کاهش می‌دادند که سرعت آن را پایین بیاورند. الان هم همین کار را می‌کنند و با استفاده از پروتکل‌های مختلف این اتفاق می‌افتد. شما می‌بینید رئیس‌جمهور هم مرتب می‌گوید و از وزیر ارتباطات خواهش می‌کند که کیفیت اینترنت را درست کند، منتها ایده‌ای که اینها در کنترل اینترنت در این وضعیتی که هست، در فیلترینگ شدید و در مهار فیلترشکن‌ها داشتند، عملا کیفیت اینترنت را پایین آورده است.»

اپراتورها توسعه اینترنت متناسب با نیازهای مردم را تا حد زیادی متوقف کرده‌اند

موضوع دیگری که آسترکی آن را در کاهش کیفیت اینترنت موثر دانست، عدم توسعه زیرساخت‌هاست و در این باره گفت: «جدای این اتفاقی که روی کیفیت اینترنت تاثیر می‌گذارد، این است که چون اینترنت مرتب کاربرهای زیادی پیدا می‌کند، اپراتورها باید شبکه‌شان را سریعا و بیشتر توسعه بدهند تا بتوانند با نیازهای روزافزون جامعه، پاسخ‌های مناسبی به آن کاربرها در مصرف بیشتر بدهند. می‌شود گفت اپراتورها

ادامه در صفحه ۷

ادامه از صفحه ۲

این توسعه را تا حد زیادی متوقف کرده‌اند، در دولت قبل بحث 5G شروع شده بود و تحولات خوبی در حال اتفاق افتادن بود. الان اپراتورهای موبایل، شبکه را آنچنان گسترش نداده‌اند، بحث 5G فراگیر نشده است. اگر اخیرا سفر کرده باشید، با این موضوع مواجه می‌شوید که چقدر اینترنت جاده‌ای به نسبت مثلا سه سال پیش افت کرده است، چون مشخص است که در جاده‌ها و روستاها توسعه به آن صورت که باید اتفاق نیفتاده است.»

به بهانه توسعه فیبرنوری همه‌چیز را متوقف کردیم

آسترکی در ادامه به این موضوع اشاره کرد که توسعه فیبرنوری با نیاز کشور سازگار نیست و گفت: «در بخش اینترنت (ثابت) که به صورت سیم‌های مسی و (ADSL) قدیمی یا به صورت فیبر نوری است هم حرکاتی در حال انجام است تا فیبر نوری توسعه پیدا کند، اما با نیاز امروز کشور سازگار نیست، چون یک پروژه ده‌ساله نیاز است تا فیبرنوری کامل شود، اما ما امروز به اینترنت با سرعت بالا نیاز داریم نه ۱۰ سال دیگر چون آن موقع نیز ۱۰ سال دیگر از توسعه عقب افتاده‌ایم. الان به این بهانه که در حال گسترش فیبر نوری هستیم و کیفیت با اینترنت خوب می‌شود، همه‌چیز متوقف شده است. فکر می‌کنم شش هفت سال است رشد جدی در هزینه‌های اینترنت اتفاق نیفتاده است و خوب در نقطه مقابل همه هزینه‌های دیگر افزایش پیدا کرده است. اینجا با وجود اینکه خیلی افراد و خودم هم مدافع اینترنت ارزان هستم و اینترنت را جزء حقوق اساسی انسان‌ها می‌دانم که حتی اگر یارانه برای آن در نظر گرفته شود یا به رایگان عرضه شود، به نفع جامعه و حتی اقتصاد کشور است اما از آن طرف و با توجه به واقعیت‌های موجود به نظر می‌رسد که باید یک افزایش قیمتی باشد که اپراتورها به خصوص اپراتورهای موبایل بتوانند به توسعه‌شان ادامه بدهند. اگر درآمد آنها افزایش پیدا نکند و نتوانند هزینه کنند، توسعه نمی‌دهند و اگر توسعه ندهند، باعث می‌شود که کاربرها متضرر شوند. به نظرم باید یک افزایش قیمتی باشد اما خرابی کیفیت اینترنت اصولا یک مساله عمدی است که اتفاق افتاده است. هرچقدر نیز دوستان توجیهات دیگری بیاورند، اما قضیه عمدی است. در طرح صیانت نیز این موضوع بود که شبکه را کاهش بدهند. در اسناد بالادستی هم آمده که ترافیک اینترنت خارج از کشور باید کاهش پیدا بکند. وقتی شما می‌گویید ترافیک باید کاهش پیدا کند یعنی کیفیت و سرعت را پایین بیاورم که دسترسی شما ضعیف‌تر بشود و نتوانید مثلا از یک سایت خارجی استفاده کنید. الان که همه سایت‌ها فیلتر است، اما زمانی هم که دسترسی وجود داشت، مرتب سرعت را پایین می‌آوردند، شما می‌دیدید یک روزهایی واتساپ کار نمی‌کند. آنقدر سرعت و پهنای باند مربوط به این شبکه را پایین آورده بودند که دسترسی با مشکل مواجه بود. اینستاگرام هم همینطور بود. این محدودیت‌ها کیفیت را خراب کرده است. ما اینجا دو موضوع داریم، یکی تامین سرمایه لازم برای توسعه است که با افزایش قیمت تا حدی حل می‌شود و یکی دیگر اینکه با این وضعیت اینترنت و کاهش تعمدی کیفیت و محدودیت‌های زیاد، اصلا برای اپراتورها توسعه تا چه حدی منطقی است و به صرفه است که انجام بدهند.»

وزارت ارتباطات باید دست‌فرمان را تغییر بدهد

آسترکی در پاسخ به اینکه می‌توان بخشی از این کاهش کیفیت را ناشی از عدم افزایش قیمت دانست نیز گفت: «یک بخشی از کم شدن کیفیت اینترنت را می‌شود ناشی از کمبود منابع مالی دانست؛ مثلا فرض کنید یک بزرگراهی ۵۰۰ کیلومتر است که در هر ۱۵ تا ۲۰ کیلومتر اپراتور یک «بی‌تی‌اس» در بزرگراه نصب کرده که در طول بزرگراه که شما در جاده عبور می‌کنید، به یک اینترنت خوبی دسترسی داشته باشید. وقتی این اپراتور سرمایه کمی برای تولید و نگهداری دارد، یا وقتی بی‌تی‌اسی در آن بزرگراه می‌سوزد یا نیاز به تعمیر دارد، شاید به آن رسیدگی نکند و منابعش را در نقاط شهری پرتردد هزینه می‌کند که میزان کاربرانش بالاست. سعی می‌کند تامین و نگهداری انجام دهد که درآمد بیشتری به دست بیاورد اما اگر درآمدش خوب باشد و منابع مالی داشته باشد، خوب توسعه بهتری می‌دهد. منطقی است؛ نفع یک اپراتور در مصرف کاربران است. هر چه بیشتر مصرف کنیم، او سود می‌برد، از یک طرف اینترنت محدود شده است و مصرف خارجی کاهش پیدا کرده است و دسترسی مردم کمتر شده است از طرف دیگر هم اینترنتی که ما مصرف می‌کنیم، ارزان است و سود آنچنانی به اپراتور نمی‌رسد. در مناطق کم‌جمعیت هم برای اپراتورهای موبایل ضرر ایجاد می‌کند. از این جهت به نظر من منطقی است که با توجه به افزایش هزینه‌ها، تعرفه اینترنت تغییر کند اما مساله کیفیت اینترنت و نارضایتی مردم از اینترنت ناظر به قیمت نیست. ناظر به محدودیت‌هایی است که تعمدا ایجاد شده است. نکته‌ای که باید به آن تاکید کنم این است که تا وقتی تعمدا محدودیت‌ها و کاهش کیفیت‌هایی وجود داشته باشد، قیمت اینترنت ۱۰ برابر بشود هم اتفاق ویژه‌ای نمی‌افتد. صرفا شما یک اینترنت دارید با ۱۰ برابر قیمت، آن کسی که اینجا باید دست فرمان خود را تغییر بدهد، وزارت ارتباطات است که بحث کیفیت اینترنت را متحول کند. از آن طرف هم آن منابع مالی در اختیار اپراتورها قرار بگیرد که بتوانند توسعه بیشتری بدهند و نگهداری بهتری از شبکه داشته باشند تا بتوانند نسل جدید اینترنت را به وجود بیاورند.»

اینترنت در همه جای دنیا به سمت ارزانی می‌رود

آسترکی در پاسخ به اینکه آخرین افزایش قیمت اینترنت‌ها چه زمانی بوده است، گفت: «فکر می‌کنم که زمان کرونا بحث‌هایی بود که اینترنت مقداری گران‌تر شود اما به واسطه شرایط ویژه کشور همه مخالفت کردند که اینترنت افزایش پیدا نکند. فکر می‌کنم شاید در سه چهارسال گذشته، مقداری قیمت تعدیل شده باشد ولی فکر می‌کنم افزایش قیمت جدی در دوران قبل از کرونا بوده است. یادم نمی‌آید بعد از کرونا افزایش قیمت جدی داشته باشیم به این خاطر که نیاز مردم بود که خیلی کارها را در آن مقطع آنلاین انجام بدهند، اینترنت گران نشد. علت اینکه گران نشد هم این است که به هر صورت اینترنت در همه جای دنیا رو به ارزانی می‌رود. مثلا در آمریکا در مدت ۲۰ سال قیمت اینترنت ۹۸ درصد کم شده است. توجه داشته باشید آنکه می‌گوید من دارم به سمت ارزانی می‌روم، با نرخ دلار می‌گوید، یعنی نرخ دلاری ارزان شده است اما باید توجه داشته باشیم که اینجا قیمت دلار چند برابر شده است. فرض کنید، یک گیگابیت اینترنت را می‌گرفتیم ۱۰ سنت، الان یک بیت را می‌گیریم دو سنت، چون قیمت دلار چند برابر شده است و درآمد اپراتور از جهت ایجاد تورم، گران شده است. یعنی اگر الان قیمت اینترنت در ایران گران شود و مثلا سه برابر شود، به اندازه رشد دلار در چند سال گذشته می‌رسد و تازه می‌شود همان قیمت دلاری پنج سال پیش.»

زیرمیزی به روایت سازمان نظام پزشکی

عامل زیرمیزی بیمه‌ها هستند

زینب مرزوقی
خبرنگار گروه نقد روز

روز گذشته نشست مطبوعاتی رئیس سازمان نظام پزشکی و تعدادی از معاونان این سازمان برگزار شد. بهانه برگزاری این نشست، تعرفه‌های نظام سلامت و مالیات پزشکان بود اما به دلیل ازدیاد چالش‌های موجود در حوزه سلامت و درمان، مسائل دیگری نیز مطرح شد و محمد رئیس‌زاده، رئیس سازمان نظام پزشکی، پاسخگوی دیگر مشکلات موجود در حوزه درمان نیز شد.

رئیس‌زاده درباره تعرفه‌های فعلی حوزه درمان در این نشست گفت: «طبق قانون هر سال قبل از لایحه بودجه باید تعرفه‌های خدمات سلامت توسط شورای عالی بیمه سلامت تعیین و به پیشنهاد مشترک وزارت بهداشت و سازمان نظام پزشکی پایان هر سال برای سال بعد ابلاغ شود. ملاک تعیین تعرفه نیز منابع، مصارف و قیمت تمام‌شده خدمات است. اکنون در چهارم دی ماه به سر می‌بریم و لایحه بودجه سال آینده نیز در مجلس است اما متاسفانه هنوز هیچ جلسه‌ای بابت تعرفه‌های پزشکی از سوی شورای عالی بیمه سلامت برگزار نشده است. البته که هر سال هم تخطی از قانون می‌شود و سال‌هاست که همین تعرفه‌های غیرواقعی با تاخیرهای چندماهه ابلاغ می‌شود. مشخص است که نتیجه عدم اجرای به موقع قانون، از هم گسیختگی است. سازمان نظام پزشکی به عنوان یک عضو صنفی از ۹ عضو شورای عالی بیمه سلامت (هشت عضو خریدار خدمت)، پیگیری‌های لازم را در این زمینه انجام داده است و نامه زده‌ایم و گلایه کرده‌ایم. از این بی‌تفاوتی برای امر مهمی مانند تعرفه برای حوزه سلامت تعجب می‌کنیم.»

شکستن هیمنه جامعه پزشکی تبعات اقتصادی دارد

رئیس‌زاده براین باور است که هزینه خدمت پزشکی در کشور ما نسبت به منطقه و جهان یک دوازدهم است. وی در ادامه اظهاراتش درباره تعرفه‌ها عنوان کرد: «این برای مردم و جذب توریسم سلامت خوب است و جای خوشحالی دارد. اما اگر زمانی خدمتی قابل ارائه نباشد و دچار کمبود شویم، بیمار همین خدمت را باید با قیمت ۱۲ برابر در کشورهای دیگر دریافت کند. شکستن هیمنه جامعه پزشکی علاوه بر مباحث سلامت، در بحث اقتصاد سلامت نیز نابسامانی‌هایی را به دنبال دارد. چرا به نظرات کارشناسی و تخصصی دلسوزان حوزه سلامت توجه نمی‌شود؟ نتیجه بی‌توجهی به این نظرات تخصصی آن می‌شود که از رسانه ملی بیان شود از مقطع دیپلم متخصص جذب می‌کنیم. اصرارمان آن است که جزء حرفه‌ای (دستمزد) از جزء فنی تعرفه‌ها جدا شود. جزء فنی سال‌ها مطابق با تورم و حتی بیشتر از آن رشد داشته است؛ این درحالی است که رشد جزء حرفه‌ای تعرفه‌ها طی پنج سال حدود هشت درصد بوده است و از تورم بسیار عقب است. در مجموع جزء حرفه‌ای زیر سایه جزء فنی قربانی شده است. عدم اجرای قانون موجب بی‌انضباطی و به‌هم‌ریختگی نظام درمانی می‌شود.»

نگرانیم مراکز ارائه خدمات سلامت مانند کارواش شود

وی عنوان کرد: «نگرانیم که وضعیت مراکز ارائه خدمات سلامت مانند کارواش‌ها شود و به سیستم کارواشی تبدیل شود. اگر کسی از زیرمیزی گلایه می‌کند باید بداند که مقصر اصلی این پدیده جامعه پزشکی نیست؛ بلکه آن کسی است که به صورت دستوری تعرفه را پایین نگه داشته است. عاملش بیمه‌ها هستند که جزء حرفه‌ای را پایین نگه داشته‌اند. تحت همین سیاستگذاری‌های نادرست اکنون ویزیت پزشک عمومی در بیمارستان دولتی ۱۸ هزار تومان است و البته با تاخیر هفت هشت‌ماهه پرداخت می‌شود و ویزیت متخصص نیز در بیمارستان دولتی در سقف ۴۰ هزار تومان است.»

درجامعه پزشکی شاهد مهاجرت شغلی هستیم

رئیس‌زاده همچنین در رابطه با مهاجرت شغلی پزشکان و فعالیت بیش از اندازه پزشکان در حوزه زیبایی به دلیل تعرفه‌های غیرواقعی و وضعیت نامناسب معیشتی پزشکان جوان نیز گفت: «تحت تاثیر چنین مسائلی، بیش از اینکه مهاجرت جغرافیایی در جامعه پزشکی داشته باشیم شاهد مهاجرت شغلی هستیم که این موضوع نیز از عوارض تعرفه‌های غیرواقعی و نابسامانی‌های آن است. در این زمینه نیز شاهد مثال زیاد داریم که ناچار به تعطیلی مطب‌ها شده‌اند. این موضوع به‌ویژه در حوزه زیبایی به شدت در حال افزایش است و با سونامی در این زمینه مواجه هستیم؛ به طوری که تخصص‌های مختلف دارند ورود می‌کنند به حوزه زیبایی؛ چراکه تقاضا هم در این زمینه زیاد و بیمارگونه است؛ به طوری که تقاضای اعمال زیبایی در ایران نسبت به دنیا چند برابر است که البته محل اشکال است؛ چه عمل‌های زیبایی آکادمیک و چه غیرآکادمیک. البته حجم زیادی از اعمال زیبایی توسط غیرپزشکان و به صورت مداخلات غیرمجاز صورت می‌گیرد که متاسفانه رو به فزونی است و البته که مجازات‌ها هم در این زمینه بازدارنده نیست.»

کمبود منابع نداریم!

رئیس سازمان نظام پزشکی کشور همچنین در رابطه با منابع موجود برای واقعی کردن تعرفه‌ها و مالیات پزشکان نیز تصریح کرد: «مشکل در این زمینه کمبود منابع بودجه‌ای نیست؛ بلکه مشکل تدابیر اشتباه و سوگیری‌های نادرست است. سهم تعرفه از بودجه حوزه سلامت زیر ۱۰ درصد است؛ حال ببینید که حجم پرداختی حوزه سلامت برای تجهیزات غیرضروری و خدمات القایی و داروهای غیرضروری چقدر است؟ بنابراین ۹۰ درصد منابع جای دیگری هزینه می‌شود. به این ترتیب با مدیریت نادرست منابع در حوزه سلامت مواجه هستیم. فرار مالیاتی نیز هجمه‌ای است که به ناحق به جامعه پزشکی وارد می‌کنند؛ این درحالی است که به اذعان مسئولان سازمان امور مالیاتی، پزشکان درمیان مشاغل، بیشترین میزان مالیات را پرداخت می‌کنند؛ چراکه شکل کار و محل انجام فعالیت آنها بیشتر از هر شغل دیگری مشخص است. اغلب مطب‌ها نیز دستگاه کارتخوان دارند و قوانین نیز در این زمینه مشخص است و ما هم پیگیری‌هایمان را انجام می‌دهیم. به اذعان مسئولان سازمان امور مالیاتی، متوسط مالیات دریافتی پزشکان بیش از دو برابر سایر مشاغل است.»

وضعیت رزیدنتی از این بدتر خواهد شد

در حاشیه این نشست «فرهیختگان» گفت‌وگویی تفصیلی با محمد رئیس‌زاده، رئیس سازمان نظام پزشکی درباره چالش‌ها، مسائل و دغدغه‌های نظام سلامت داشته است.

شما از دغدغه سازمان نظام پزشکی نسبت به آینده کشور گفتید. اینکه هر اتفاقی که در نظام سلامت رقم بخورد، پزشک ممکن است بسیار آسیب نبیند؛ چراکه هنر پزشکی، یک هنر ذاتی است و این هنر خریدار دارد. در این کشور اگر خدایی‌ناکرده خریدار نداشته باشد، در جای دیگر خریدار خواهد داشت. بنابراین نگرانی نظام پزشکی برای پزشکان نیست بلکه نگران آینده پزشکی و سلامت مردم است. توضیح‌تان در تکمیل این صحبت‌ها چیست؟ این حرف نرمالایز کردن مهاجرت است؟

عرضم این است که سیاستگذاری‌هایی که انجام می‌شود و ما به آنها ایراد داریم و قانون‌هایی که اجرا نمی‌شود، در وهله اول ضرر آن به مردم و کشور می‌رسد و بعد به افراد جامعه پزشکی. بنابراین اگر ما نسبت به اجرایی نشدن درست تعرفه‌ها نگران هستیم و از اجرای سیاست‌های ابلاغی حرف می‌زنیم؛ این نیست که چون نهاد صنفی هستیم پس فقط نهاد صنف‌مان را می‌بینیم. می‌خواهیم بگوییم که نگرانی ما برای صنف، آخرین نگرانی ماست. مثلا پزشکی به هر دلیلی شرایط پزشکی برایش دشوار شود، اینجا جامعه آسیب می‌بیند یا فرد به لحاظ شغلی می‌بیند؟ به نظر من جامعه بیشتر آسیب می‌بیند. سلامت مردم بیشتر آسیب می‌بیند. خدایی نکرده ممکن است شرایط به گونه‌ای رقم بخورد که آن فرد مهاجرت کند یا به کار دیگری رو بیاورد. بالاخره فردی که فوق تخصص یا تخصص گرفته است، این توانمندی را دارد که زندگی خودش را بچرخاند. اما مردمی که نیاز دارند توسط این پزشک طبابت شوند، اینها مساله‌شان قابل جبران نیست. بنابراین نگرانی ما برای سامانه سلامت کشور است و نه برای افراد نظام سلامت کشور. قطعا افراد نیز در جای خود موضوعیت دارند. اما الان حرفم این است که نگرانیم. اینگونه نیست که ما پزشکیم و اگر ما را نخواهید، پس خداحافظ! نه. عرض من این نیست. ما تمام تلاش‌مان را می‌کنیم که مهاجرت شغلی و مهاجرت جغرافیایی کم شود. اما برخی‌ها دغدغه ما را بد می‌فهمند. فکر می‌کنند که این دغدغه، دغدغه جیب همکارمان و یا جیب خودمان و صنف پزشکان است. من می‌گویم که اینگونه نیست. اتفاقا این آخرین دغدغه ماست؛ چراکه اگر نتوانم از عضو جامعه پزشکی کشور در ساختار نظام سلامت کشور، خدمات بگیرم، به هرحال این پزشک به هر طریقی زندگی خودش را می‌چرخاند. من نگران زندگی آن نیستم. نگران این هستم که این پزشک از چرخه خدمت خارج نشود و در حوزه پزشکی، منافعش به حد معقول تامین شود تا بتواند ارائه خدمت کند. متخصص ما در هر صورت یک متخصص است. در هر صورت توانمندی تخصصی‌اش را دارد. توانمندی ذهنی و هوشی‌اش را هم دارد. اگر من نتوانم این را در سامانه سلامت کشور نگه دارم، باعث نگرانی است. نه اینکه به دلیل زندگی شخصی باید در این موقعیت بایستد. بدترین حالت این است که در نهایت از کشور خارج شود یا شکل دیگرش این است که در کشور بماند ولی کار دیگری انجام دهد. کمااینکه داریم می‌بینیم پزشک در کارهای زیبایی، بساز و بفروش ساختمان و سایر مشاغل درحال فعالیت است. اما آیا کشور و نظام این همه هزینه کرده تا یک نفر متخصص یا جراح قلب شود، بعد خدایی‌ناکرده کاری به‌جز تخصصش انجام دهد؟ اینها سرمایه این کشور هستند و اگر این اتفاق بیفتد از بی‌تدبیری ماست. عرض من این است که دغدغه اول ما سلامت کشور، مردم و هزینه‌هایی است که برای سلامت دادیم. دغدغه زندگی همکارمان نیست. همکار ما بلد است خودش را به هر شکلی اداره کند. این نیست که ما بگوییم اگر نخواستید ما از کشور می‌رویم. اصلا اینگونه نیست. ما برای این کشور دائم درحال تلاشیم. حرف‌های بدون تعارف و صریح را ما درحال بازگو کردنش هستیم. همه متاسفانه لنگ تعارفات، روابط و ضوابط هستند. مشکل ما این است که مسئولان در این حوزه دلسوزانه صحبت نمی‌کنند. مشکل این است فردی که باید پیگیر مشکلات نظام سلامت باشد، پیگیر نیست؛ چراکه می‌ترسد صندلی‌اش جابه‌جا شود. چرا دوستانی که باید حرف‌های واقعی را در حوزه سلامت بزنند، وظایف خودشان را به‌درستی انجام نمی‌دهند؟ من الان رعایت می‌کنم. بعدا اگر لازم باشد عریان از همه این ضوابط و روابط به مردم و مسئولان اصلی نظام می‌گویم. چرا آقای وزیری که امروز در ۴ دی باید پیگیر جلسه تعرفه باشد، پیگیر نیست؟ چه جوابی برای جامعه پزشکی دارد؟ چه جوابی دارد به مردمی بدهد که فردا در این بی‌سامانی و بی‌قانونی باید زیرمیزی پرداخت کنند؟ دغدغه ما این است. نگرانی ما نظام سلامت کشور است.

برای رزیدنت‌ها سازمان چه مطالبه‌ای دارد؟ همانطور که می‌دانید نه دانشجو به حساب می‌آیند نه شاغل، از طرفی در وضعیت بد معیشتی و شغلی هستند.

سازمان نظام پزشکی، سازمان صنفی جامعه پزشکی است، یعنی افرادی که عضو ما هستند. علی‌القاعده دستیاران چون دوره دانشجویی‌شان را درحال سپری کردن هستند و به وزارت بهداشت خدمت می‌کنند، همه امورات‌شان مربوط به وزارت بهداشت است. اما ما این عنوان که این افراد پزشک عمومی و عضو سازمان نظام پزشکی هستند، ما موظف به پیگیری مشکلات‌شان هستیم. بنابراین امری دست نظام پزشکی نیست و تنها می‌تواند مطالبه‌گری کند. مطالبه‌گری ما این است که دوره رزیدنتی باید شغل محسوب شود و حقوق به این افراد پرداخت شود و نه کمک هزینه معیشتی. نه اینکه از سر صدقه به آنها چیزی بدهیم. حقوق باید پرداخت شود. ضوابط آموزشی حاکم بر بخش‌ها باید قاعده‌مند شود و سلیقه‌ای نباشد. در بخشی یکباره فرد سلیقه‌اش را اعمال می‌کند و دوره رزیدنتی کسی را پنج‌ساله می‌کند. طرف سلیقه‌اش را اعمال می‌کند و رزیدنت را خارج از تایم کشیک نگه می‌دارد باید ضابطه‌مند شود. نکته دیگر این است که میان رزیدنت‌هایی که کشیک دارند و رزیدنت‌هایی که کشیک ندارد، در دریافتی اختلاف ایجاد شود. برای شب‌های کشیک مبلغی اعمال شود تا اینها بتوانند در دوره دستیاری زندگی‌شان را بچرخانند. اکنون به همه رزیدنت‌ها علی‌السویه ۹ تا ۱۲ میلیون تومان پرداخت می‌شود. دستیاری که صبح تا شب در بیمارستان است، زن و بچه دارد با حقوق ۱۰ میلیون تومان چه کار کند؟ بیشترین خدمات را در بیمارستان‌ها همین رزیدنت‌ها ارائه می‌دهند. اگر اینگونه پیش برود، هیچ کس وارد دوره رزیدنتی نمی‌شود؛ چراکه گذران زندگی با این شرایط امکان‌پذیر نیست. شما خودتان را بگذارید جای آدمی که دوره پزشکی عمومی‌اش را گذرانده، وارد دوره رزیدنتی شده و هیچ درآمدی ندارد و باید ماهی با حقوق ۱۰ میلیون تومان زندگی بگذراند، حتی هزینه رفت‌وآمد آن رزیدنت هم با این مبلغ جور درنمی‌آید. چطور انتظار داریم که پزشک عمومی رغبت داشته باشد تا وارد دوره دستیاری ارتوپدی یا دیگر رشته‌ها شود؟ کسی که باید اینها را پیگیری کند کیست؟ چرا وضعیت رزیدنت‌ها را تعدیل نمی‌کنند؟ فقط برای دستگاه‌ها مصوبه تصویب می‌کنند. این مشکلات در سیستم سلامت وجود دارند و با کسی که تعارف نداریم.

چندسالی می‌شود که پزشکان جوان هم درگیر مشکلات معیشتی هستند. این پزشکان ۱۲ سال مدرسه خوانده‌اند. هفت سال پزشکی عمومی، دو سال طرح، چهار سال رزیدنتی و تا وارد دنیای کار می‌شوند سنی از آنها گذشته است. اما یکباره می‌بینیم که چون در وادی طبابت گمنام هستند کمتر مراجعی به آنها رجوع می‌کنند. چاره این امر چیست؟

بالاخره اصل قصه ما واقعی شدن تعرفه‌هاست. اگر تعرفه‌ها واقعی شوند، پزشکان جوان نیز می‌توانند خودشان را تامین کنند و تا زمانی که بتوانند مانند یک استاد باتجربه شناخته شوند. در مشاغل دیگر نیز همین است. انتظار نداریم که فرد در بدو ورودش صاحب‌نام شوند. اما مساله ما این است که پزشکان جوان امکان ادامه مسیر را ندارد که اصلا بخواهند صاحب‌نام شوند. واقعی شدن تعرفه، حفظ کرامت پزشکان و رعایت حقوق دوره رزیدنتی به عنوان یک شغل این امکان را به پزشکان می‌دهد. در غیر این صورت وضعیت از اینی که داریم نیز بدتر خواهد شد.

نظرتان درباره خالی ماندن ظرفیت‌های دوره دستیاری چیست؟

وضعیت بدتر هم خواهد شد. برنامه ما به‌عنوان سازمان صنفی این است که درنهایت بگوییم شرایط دستیاری را شرایط قابل قبولی کنید. وقتی دستیاری غیرقابل تحمل است، معلوم است که کسی نمی‌رود، پس از آن نیز غیرقابل‌تحمل است و اینها تماما عیان است. شرایط دستیاری وضعیتی عادلانه و انسانی نیست. اما کسی ورود پیدا نمی‌کند. دولت و وزارت بهداشت باید در این باره چاره کنند.

موضع‌تان درباره افزایش ظرفیت‌ها چیست؟

ما با کسانی که افزایش فله‌ای را بدون فراهم کردن زیرساخت‌ها تصویب کردند، صددرصد موضع تند داریم. افزایش ظرفیت باید دانشکده به دانشکده و براساس توان آن دانشکده صورت بگیرد. براساس زیرساخت‌های موجود یعنی خوابگاه‌ها، هیات‌علمی، اساتیدو... باید افزایش ظرفیت را پیش‌برد. حوزه پزشکی حوزه راه بنداز، جا بنداز نیست. دوستان اکنون سیاست‌شان حوزه راه بنداز جا بنداز است. اینکه ما ظرفیت را بالا می‌بریم و بعدا زیرساخت‌ها را فراهم می‌کنیم که فراهم هم نکردند. پارسال گفتند ظرفیت‌ها را بالا می‌بریم و بعد زیرساخت می‌دهیم اما معاون آموزش وزیر اعلام کرد که ریالی هم بودجه و زیرساخت اضافه نکردند. نماینده مجلس در تلویزیون می‌گوید بله ما پیگیری می‌کنیم. این فقط حرف است. حرف برای سلامت مردم آب و نان نمی‌شود. شما فقط ظرفیت را زیاد کردید، کیفیت آموزش را پایین آوردید و حالا می‌گویید ما پیگیری می‌کنیم، چه چیزی را پیگیری می‌کنید؟ اینکه حتی راه بنداز، جابنداز هم نبود. حوزه پزشکی یک حوزه تخصصی است. نمی‌شود آن را با حرف‌های پوپولیستی مدیریت کرد. نمی‌توان ۱۰۰ نفر دانشجو اضافه کرد و به آنها گفت حالا برایتان خوابگاه و هیات‌علمی و آزمایشگاه هم جور می‌کنم. معلوم است که موضع ما دربرابر این اشخاص، موضع تندی است. این افراد اینگونه تربیت می‌شوند و فردا وقتی قرار است مردم را درمان کنند، سواد کافی ندارند.

بیش از یک‌سال است که از رونمایی طرح امضای دیجیتال نسخه‌های الکترونیکی می‌گذرد. به‌نظر می‌آید طرحی که هم به نفع پزشکان بود و هم ضامن امنیت سلامت مردم، برخلاف تبلیغات ابتدایی اکنون مسکوت مانده است. علت توقف این طرح چیست؟

دوستان ما در آی‌تی وزارت بهداشت این طرح را با خاک یکسان کردند. علت آن مسائلی در پشت‌پرده است که اکنون نمی‌خواهم مطرح کنم. اما دوستان، زحمتی را که نظام پزشکی و مجلس کشید با اصلاحیه‌ای در مجلس با خاک یکسان کردند. آن دنیا و این دنیا باید پاسخگوی هزینه‌ای باشند که خرج این طرح شود. دوستان زحمات سه‌ساله نظام پزشکی را که قانون مجلس بود، همه به باد دادند.